درس هايى از فروع دين (5)

سيماى امر به معروف و نهى از منكر

نادعلى صالحى

امر به معروف و نهى از منكر, دو برنامه مهم اسلام و از اقسام فروع دين است. قرآن كريم و پيشوايان معصوم& از اين فريضه الهى بسيار سخن گفته و مسئوليت ما را روشن ساخته اند. نه تنها دين اسلام, بلكه ديگر اديان آسمانى نيز بيشترين برنامه هاى تربيتى خود را از اين طريق به اجرا در آورده اند. بنابر اين, امر به معروف و نهى از منكر, عمرى به درازاى تاريخ دارد. امام باقر(ع) مى فرمايد: امر به معروف و نهى از منكر, راه پيامبران و شيوه نيكو كاران است 1.

در زمان هاى گذشته, در بسيارى از كشورهاى اسلامى, با الهام گرفتن از اين دستور اسلام, تشكيلاتى مخصوص مبارزه با فساد و دعوت به انجام مسئوليت هاى اجتماعى به نام (اداره حِسبه) [نيروى انتظامى و اداره آگاهى ] وجود داشته كه مأموران آن به نام (مُحْتَسب) يا آمرين به معروف خوانده مى شدند. اين افراد مأمور بودند با همكارى ديگران با هرگونه فساد و ظلم مبارزه كنند و مردم را به كارهاى نيك و پسنديده تشويق نمايند.

امروزه در ايران اسلامى, ستاد اجرايى امر به معروف و نهى از منكر, رسماً عهده دار انجام اين وظيفه است.

در باره مفهوم و گستره امر به معروف و نهى از منكر, اهميت, شرايط, شيوه ها و پيامدهاى مهم آن بحث هايى مطرح است كه در اين شماره متناسب با سطح معلومات مشتركين مقطع راهنمايى و رعايت اختصار, به گوشه هايى از آن مى پردازيم.

واژه شناسى

امر; يعنى فرمان, و نهى; يعنى باز داشتن. معروف; يعنى شناخته, خوب, و منكر; يعنى ناپسند, ناروا, زشت و ناشناخته.

يكى از لغت شناسان مى گويد: (معروف, نامى كلّى است و هر چيزى را كه به عنوان اطاعت خدا و نزديكى به او و يا نيكى به مردم شناخته شود, شامل مى شود, و هر چيزى كه شارع [خدا و قانون گذار] آن را زشت شمارد و حرام بداند, منكر است. )2

راغب اصفهانى مى گويد: (معروف, كارى است كه عقل و دين, خوب بودن آن را پذيرفته باشند و منكر كارى است كه در نظر عقل و دين, ناپسند و زشت به شمار آيد. )3

گستره معروف و منكر

معروف و منكر, محدود به امورى جزيى نيستند و دايره وسيعى دارند; معروف همه كارهاى خوب, و منكر همه كارهاى بد را شامل مى شود.

در فرهنگ دين و نگاه عقل, بسيارى از كارها معروف اند ; مانند: نماز و ساير فروع دين, راست گويى, وفاى به عهد, صبر و شكيبايى, دستگيرى از مستمندان, عفو, اميد, انفاق در راه خدا, صله رحم, احترام به پدر و مادر, سلام كردن, اخلاق نيك, ارج نهادن به علم, رعايت حقوق هم نوعان, همسايگان, دوستان, رعايت پوشش اسلامى, پاكيزگى و بهداشت عمومى, ميانه روى در هر كار و ده ها نمونه ديگر.

در مقابل, بسيارى از كارها نيز منكر شناخته شده اند; مانند: ترك نماز, روزه خوارى, حسدورزى, بخل, دروغ, تكبر, غرور, نفاق و دورويى, تجسس, شايعه پراكنى, سخن چينى, هواپرستى, ناسزا گويى, دعوا كردن, ايجاد ناامنى, تقليد كوركورانه, خوردن مال يتيم, مزاحمت هاى تلفنى, خلاف هاى صوتى و تصويرى و اينترنتى, دفاع از ظلم و ظالم, گران فروشى, ربا خوارى, رشوه گيرى, كم كارى, ناديده گرفتن حق هم كلاسى يا معلم, پايمال كردن حقوق فردى و اجتماعى و غير آن.

در نگاه اسلام, حتى دعوت به دين حق, تلاش در راه ايجاد حكومت حق براى اجراى عدالت, ايثار جان و مال در راه خدا و مبارزه با متجاوزان, از موارد مهم امر به معروف و نهى از منكر به شمار مى رود.

بنابر اين, امر به معروف ; يعنى فرمان به هر چه كار خوب, و نهى از منكر; يعنى بازداشتن از هر چه زشتى است.

اهميت امر به معروف و نهى از منكر

همان طور كه يك باغ بزرگ با رعايت شرايط و رسيدگى به نيازهاى اساسى مرحله (داشت); از قبيل: آبيارى به موقع, تأمين كود, هرس شاخ و برگ هاى اضافى, مبارزه با حشرات موذى, گياهان انگلى, علف هاى هرز و ده ها آفت ديگر دوام مى يابد و ثمر بخش مى گردد, اجرا و تداوم برنامه هاى اسلام و درخشش استعدادهاى انسانى و نيز رسيدن به رشد و كمال, در صورتى ممكن خواهد بود كه شرايط مناسب فراهم شده و موانع و آفت هاى مختلف فردى و اجتماعى نابود گردد. از اين رو خداى دانا و توانا در قالب دو دستور مهم اجتماعى; يعنى امر به معروف و نهى از منكر, به هر مرد و زنى حق نظارت بر همگان را عطا كرده و آنان را موظف مى داند با نظارت دقيق بر محيط و مراقبت از اعمال خود و هم نوعان و مبارزه با زشتى ها و نادرستى ها, روح و روان و پيكره اجتماع را از گرفتار آمدن به انواع بيمارى ها و فرو رفتن در هرزگى محفوظ دارند.

در قرآن كريم آمده است: (بعضى از مردان و زنان مؤمن بر بعض ديگر ولايت دارند, امر به معروف مى كنند و از زشتى باز مى دارند. )4

حضرت على(ع) در مقايسه اين دو واجب الهى با ساير برنامه هاى اسلام مى فرمايد: (همه كارهاى نيك و جهاد در راه خدا, در برابر امر به معروف و نهى از منكر, چون دميدنى است به درياى پهناور و پر موج. )5

پيامبر گرامى اسلام (ص) در تمثيلى زيبا, پيكره اجتماع را به كشتى تشبيه كرده و مى فرمايد: (اگر يكى از افرادِ سوار بر كشتى ادعا كند كه من در كشتى حق دارم, لذا مى توانم آن را سوراخ كنم و مسافران ديگر او را از اين كار باز ندارند, موجب هلاكت همگان خواهد شد, زيرا غرق شدن كشتى, هلاكت همگان را در پى دارد و اگر ديگران بى تفاوت نباشند و او را از اين عمل باز دارند, هم خود و هم او را نجات خواهند داد. )6

نكته قابل ذكر اين كه اسلام امر به معروف و نهى از منكر را تنها در مورد انسان ها مطرح نمى كند, بلكه در مورد حيوانات نيز آن را مهم مى شمارد. امام صادق(ع) نقل مى كند: (در ميان بنى اسرائيل پير مردى عابد در حالى كه به نماز ايستاده بود, چشمانش به دو پسر بچّه افتاد كه پرهاى خروسى را مى كندند. عابد بى آن كه آنان را از اين كار باز دارد, به عبادت خود ادامه داد. در آن حال خداوند به زمين دستور داد كه بنده ام را در خود فرو بر. )7

در اصل هفتم قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران آمده است:

(در جمهورى اسلامى ايران, دعوت به خير, امر به معروف و نهى از منكر, وظيفه اى است همگانى و متفاوت, بر عهده مردم نسبت به يكديگر, دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرايط و حدود و كيفيت آن را قانون تعيين مى كند. )

حضرت على(ع) مى فرمايد: (خداوند به حضرت شعيب پيام داد كه من از بين قوم تو يكصد هزار نفر را به هلاكت مى رسانم, چهل هزار نفر از تبهكاران و شصت هزار نفر از خوبان آنها; شعيب گفت: خدايا! آن چهل هزار نفر كه تبهكارند, اما چرا خوبان را به هلاكت مى رسانى؟ فرمود: براى اين كه آنان در مقابل گناه كاران بى تفاوت بودند و آن جا كه من خشمگين مى شدم خشمگين نشدند; يعنى گناهان را ديدند, لكن نهى از منكر نكردند.)8

شرايط امر به معروف و نهى از منكر

اسلام شناسان و مراجع معظم تقليد, شرايطى را براى امر به معروف و نهى از منكر بيان كرده اند كه در اين جا هر يك از آن شرايط را با توضيح مختصرى بيان مى كنيم.

1 ـ شناخت معروف و منكر9

مهم ترين شرايط انجام درست امر به معروف و نهى از منكر, شناخت معروف ها و منكرها و شرايط و شيوه هاى آن است. اگر كسى معروف و منكر را نشناسد, نمى تواند ديگران را به انجام كارى دعوت و يا از آن باز دارد. از قديم گفته اند: خفته را خفته كى كند بيدار!

ييك پزشك معالج زمانى مى تواند به درمان بيمار بپردازد كه درد را بشناسد و به نوع و ريشه هاى آن آگاه باشد. استاد شهيد مرتضى مطهرى(ره) در باره لزوم شناخت معروف و منكر مى فرمايد: آيا (من و شما مى فهميم كه امر به معروف و نهى از منكر چيست و چگونه بايد انجام شود؟ تا حالا كه امر به معروف و نهى از منكرهاى ما در اطراف دگمه لباس و بند كفش مردم بوده است [در باره] موى سر و دوخت لباس مردم بوده است! …منكر چه مى شناسيم كه چيست! ما گاهى معروف ها را به جاى منكر مى گيريم و منكرها را به جاى معروف… چه منكرها كه به نام امر به معروف و نهى از منكر به وجود نيامد. آگاهى و بصيرت مى خواهد… دانايى, روان شناسى و جامعه شناسى مى خواهد تا انسان بفهمد كه چگونه امر به معروف و نهى از منكر كند; يعنى راه معروف را تشخيص دهد, ببيند معروف كجاست, منكر را تشخيص بدهد, ريشه منكر را به دست بياورد, [ بداند] از كجا منكر سرچشمه مى گيرد. از اين رو ائمه ما فرموده اند: جاهل بهتر است امر به معروف و نهى از منكر نكند, چرا؟… چون جاهل هنگامى كه امر به معروف و نهى از منكر مى كند مى خواهد بهتر كند بدتر مى كند و چقدر در اين زمينه مثال ها زياد است.)10

البته اين كه ائمه فرموده اند: جاهل بهتر است امر به معروف و نهى از منكر نكند, براى آگاهى دادن به خسارت هاى ناشى از برخوردهاى جاهلانه است, نه اين كه تكليف امر به معروف و نهى از منكر از جاهل ساقط است. علم و شناخت در موضوع مورد نظر, مانند طهارت براى نماز است كه شرط آن به شمار مى رود و بايد آن شرط را به دست آورد.

نتيجه آن كه, هر يك از ما مسلمانان وظيفه داريم در راستاى تبليغ احكام نورانى اسلام و جلوگيرى از منكرات و كژروى ها, اولاً, بدانيم چه چيزهايى معروف و چه چيزهايى منكرند و ثانياً, شيوه هاى مناسب را براى باز گرداندن خطا كاران از بى راهه ها باز شناسيم تا از آفات اقدامات جاهلانه در امان بمانيم.

2 ـ احتمال تأثير

دومين شرط از شرايط امر به معروف و نهى از منكر, احتمال تأثير است. همان طور كه قبلاً گفتيم, امر به معروف و نهى از منكر كارى بيهوده و بى هدف نيست, برنامه اى است حساب شده با مقررات خاص و شرايط ويژه. اهميت اين وظيفه همگانى به حدى است كه خداوند بزرگ اجراى آن را حتى در صورت گمان قوى به تأثير نداشتن امر به معروف و نهى از منكر, واجب مى داند. از اين رو مراجع بزرگ تقليد فرموده اند: (حتى اگر احتمال زياد دهيم كه امر به معروف و نهى از منكر در جايى اثر ندارد, وجوب آن ساقط نمى شود; پس اگر گمان كنيم كه اجراى آن تأثير گذار است, واجب است به آن عمل كنيم. )11

حتى برخى از كارشناسان علوم اسلامى معتقدند كه به بهانه تأثير نداشتن امر به معروف و نهى از منكر نمى توان دست روى دست گذاشت و اين فريضه را رها كرد, بلكه هر فردى بايد در پى تأثير امر به معروف و نهى از منكر باشد و هر جا با شكست مواجه شد, آن را ريشه يابى كند و علل آن را بشناسد و بر طرف نمايد. 12

در باره شرط (احتمال تأثير) توجه به اين نكته ضرورى است كه گاهى ممكن است تكرار يك سخن و ادامه امر و نهى, در كسى اثر داشته باشد يا باعث دست برداشتن خطا كار از عمل زشتش در آينده باشد. همچنين ممكن است امر و نهى باعث شود خطا كار عمل زشت خود را ديرتر انجام دهد, يا احتمال دهيم مقدارى از گناهش بكاهد, يا گناه بزرگ را به گناه كوچك تبديل كند, در همه اين موارد انجام امر به معروف و نهى از منكر واجب است.

3 ـ ضرر و زيان نداشتن

شرط ديگر امر به معروف و نهى از منكر, ضرر و زيان نداشتن است. اين فريضه الهى, پيامدهاى مهم و ارزشمندى دارد, بنابر اين اگر به شكل صحيح و خوب اجرا نشود و يا زيان بار باشد, نمى تواند يك امر خدايى به شمار آيد, چرا كه با هدف آن سازگار نيست; ممكن است كسى را بخواهيم امر به معروف يا نهى از منكر كنيم, اما از يك كار زشت يا ناپسند كمك بگيريم; مثلاً او را بترسانيم يا ناسزا بگوييم. قطعاً اين گونه امر به معروف و نهى از منكر, درست نيست, زيرا نه تنها با اين كار, فردى را ارشاد نكرده ايم, بلكه ممكن است او را به دين بدبين كنيم.

استاد شهيد مرتضى مطهرى(ره) با اشاره به اين كه وجوب امر به معروف و نهى از منكر تا جايى است كه مفسده و فتنه اى نداشته باشد, مى نويسد:

(ممكن است من گاهى امر به معروف و نهى از منكر بكنم, بخواهم خدمتى به اسلام بكنم, ولى همين امر به معروف و نهى از منكر من… مفسده اى براى اسلام به وجود آورد كه آن مفسده از اين خدمتى كه من از اين راه به اسلام مى كنم, بيشتر است. بسيارند افرادى كه نهى از منكر مى كنند, ولى نه تنها نتيجه اى نمى گيرند; بلكه با نهى از منكرشان آن كسى را كه نهى از منكر مى كنند, به كلى از دين برى [و بيزار] مى كنند. )13

البته بايد توجه داشت كه منظور از ضرر و زيان نداشتن, ضرر و زيان شخصى نيست كه بگوييم اين فريضه به شرطى واجب است كه خطر و خسارتى براى جان و مال و آبروى امر كننده به معروف و نهى كننده از منكر نداشته باشد. هر چند كه ضرر و زيان شخصى هم در آن حايز اهميت و قابل بررسى است.

امام خمينى(ره) ضمن اشاره به اين كه هرگونه ضرر جسمى موجب سقوط اين تكليف نيست, 14 مى فرمايد: بايد ديد در قبال اين امر و نهى چه به دست مى آيد و چه از دست مى رود… در صورتى كه حفظ شعائر دين و از بين بردن گمراهى, نيازمند خون باشد, نه تنها از اموال گذشتن كه جانبازى نيز در چنين شرايطى واجب است 15.

شهيد مطهرى(ره) نيز با تأكيد بر اين نكته مى فرمايد:

(ببين در چه موضوعى مى خواهى امر به معروف و نهى از منكر كنى؟ يك وقت موضوع كوچكى است; مثلاً كسى كوچه را كثيف مى كند, پوست خربزه را مى اندازد در كوچه كه نبايد بيندازد, شما اين جا بايد نهى از منكر كنيد… حالا اگر شما براى نهى از منكر كردن در چنين مسئله اى به خاطر پوست خربزه در كوچه انداختن بدانيد يك فحش ناموسى به شما مى دهد, در اين صورت اين كار آن قدر ارزش ندارد كه شما يك فحش ناموسى بشنويد. يك وقت هم هست …مى بينيد قرآن به خطر افتاده است… وضعيت در سرحدّ به خطر افتادن قرآن و اصول قرآنى است, در سرحد به خطر افتادن عدالت است, آيا در اين جا مى گويى امر به معروف نكن, حرف نزن, نهى از منكر نكن, كه اگر اين را بگويم جانم در خطر است, آبرويم در خطر است؟!)16

اين كه در قرآن و حديث, اين همه از ارزش و پاداش استقامت و جانبازى در راه خدا و امر به معروف و نهى از منكر سخن به ميان آمده, خود تأييدى است بر اين كه در راه اجراى اين وظيفه الهى در موارد بسيار مهم و حياتى, بايد به استقبال خطر و سختى ها رفت.

4 ـ ادامه گناه

همان طور كه برخى از بيمارى ها, سطحى و زود گذرند و بعضى هم به دليل قوى بودن بيمار در برابر ميكروب ها, بدون نياز به مصرف دارو, خود به خود از بين مى روند, در بين خطاكاران نيز چنين افرادى هستند كه ممكن است به دليل ضعف ايمان و يا بر اثر اتفاق و غفلت, خطايى را مرتكب شوند; ولى بلافاصله وجدانشان آنها را سرزنش كند, يا از هدايت هاى الهى بهره مند گردند و دست از كجروى بردارند.

بديهى است كه اين قبيل افراد نيازى به امر و نهى ندارند و چه بسا اجراى امر به معروف و نهى از منكر در مورد آنان, به نوعى عيب جويى, آبروريزى و نمك بر زخم پاشيدن باشد كه خود گناه بزرگى است.

بنابر اين, عمل به اين مسئوليت اجتماعى زمانى واجب است كه شخص بر انجام گناه اصرار بورزد و خود در صدد اصلاح و بازگشت به راه راست بر نيايد.

مراتب امر به معروف و نهى از منكر

همان طور كه يك پزشك براى درمان بيماران مختلف از يك نسخه استفاده نمى كند و متناسب با نوع بيمارى و وضعيت روحى و جسمى هر بيمار, نسخه اى را تنظيم مى كند و براى درمان برخى افراد كه به بيمارى شديد و سختى گرفتارند, آخرين راه را عمل جراحى مى داند, در اجراى امر به معروف و نهى از منكر نيز از برنامه ها و راه هاى گوناگون استفاده مى شود.

اسلام شناسان براى مبارزه با زشتى ها, سه مرحله را يادآور شده اند:

1 ـ انكار قلبى; 2 ـ اقدام زبانى; 3 ـ اقدام عملى.

استاد مطهرى(ره) در توضيح هر يك از مراتب فوق توضيحاتى دارد كه با هم مرور مى كنيم:

الف) انكار قلبى

فقها و دانشمندان گفته اند: (اولين درجه و مرتبه نهى از منكر, هَجر و اعراض است; يعنى وقتى شما فرد يا افرادى را مى بينيد كه مرتكب كارهاى زشتى مى شوند, براى اين كه او را از كار زشتش باز داريد, از او اعراض مى كنيد; يعنى با او قطع رابطه مى كنيد; به عنوان مثال شخصى رفيق و دوست شماست, با يكديگر صميمى و محشور و معاشر هستيد, روابطتان با يكديگر دوستانه است, رفت و آمد داريد, با هم گرم مى گيريد, مسافرت مى رويد, اما يك وقت اطلاع پيدا مى كنيد كه همين رفيق و دوست صميمى شما دچار فلان عمل زشت شده است, يكى از درجات و مراتب امر به معروف و نهى از منكر و در واقع يكى از اقسام تنبيه كه بايد در مواردى اجرا شود اين است كه شما به او سردى نشان دهيد, بى اعتنايى كنيد و آن صميميتى را كه سابقاً به او نشان مى داديد بعد از اين نشان ندهيد; اين خود, نوعى تنبيه است. )17

امير مؤمنان على(ع) مى فرمايد: (پيامبر خدا به ما دستور داد تا در مقابل گناه كاران با چهره هاى در هم كشيده و اخمو روبرو شويم. )18

ب) اقدام زبانى

شهيد مطهرى(ره) مى فرمايد: (درجه دومى كه ذكر كرده اند, مرحله زبان است; يعنى گاهى شخصى كه عمل زشتى را مرتكب مى شود, به دليل جهالت و نادانى اوست, تحت تأثير يك سلسله تبليغات قرار گرفته است, احتياج به مربى دارد, احتياج به هادى و راهنما و معلم دارد تا آگاه شود و باز گردد. اين مرحله نيز, يك درجه از نهى از منكر است; به اين معنا كه با زبانمان او را به ترك آن عمل قانع كنيم. )19

ج) اقدام عملى

استاد مطهرى(ره) مى فرمايد: (مرحله سوم, مرحله عمل است. گاهى شخص خطاكار به گونه اى است كه نه اِعراض و هجران (قطع رابطه) ما بر او تأثير مى گذارد و نه مى توانيم با منطق و بيان و تشريح مطلب, او را از منكر باز داريم; بلكه بايد وارد عمل شويم. معناى وارد عمل شدن, تنها زور گفتن و كتك زدن و مجروح كردن نيست;20 اين كارها در آخرين مرحله انجام مى شود. حضرت على(ع) مى فرمايد: (آخر الدواء الكى;21 داغ كردن و به جنگ و ستيز متوسل شدن, آخرين مرحله درمان است. )

هر كار خوبى كه به طور مستقيم يا غير مستقيم براى اصلاح رفتار خطا كار و ريشه كنى فساد انجام مى پذيرد; مانند به خود پرداختن, خود را الگوى او قرار دادن, نشان دادن نمونه هاى خوب از معروف ها و يا اقدامات جدّى مانند آنچه براى خارج ساختن دمل هاى چركين از بدن صورت مى گيرد, در رديف اقدامات عملى قرار دارد.

نكته: در اجراى امر به معروف و نهى از منكر بايد مراحل آن دقيقاً رعايت شود, بنابر اين در جايى كه بهره گيرى از مرتبه اول (انكار قلبى) ما را به هدف برساند و طرف مقابل را از كار زشت باز دارد, نوبت به مراتب بعد و استفاده از زبان و زور نمى رسد. همچنين ممكن است هر يك از مراتب سه گانه, خود مراتب و مراحلى داشته باشند; مانند انكار قلبى كه مى توان آن را از راه هاى مختلفى همچون: چشم بر هم گذاشتن, چهره در هم كشيدن, برگرداندن صورت, پشت كردن, قهر كردن و ترك دوستى انجام داد.

امام خمينى(ره) در مورد استفاده از مرتبه سوم (اقدام عملى) مى فرمايد: (در اين صورت بايد اين قبيل اقدامات با اجازه امام معصوم (ع) يا جانشين او; يعنى فقيه جامع الشرايط, انجام گيرد ).22 اين نكته مهمى است كه بايد به آن توجه داشت.

آداب و شيوه ها در امر به معروف و نهى از منكر

امر به معروف و نهى از منكر به طور مستقيم با دين و دنيا و آبروى افراد در ارتباط است و لذا از حساسيت ويژه اى برخوردار مى باشد. همان گونه كه رها كردن اين واجب الهى, هلاكت بار و خطر آفرين است, اجراى آن نيز بدون رعايت حدود و توجه به شرايط و مراتب و روحيات و ظرفيت افراد, زيان بار خواهد بود.

در قرآن كريم و سيره عملى بزرگان دين و سخنان آنان, نكات بسيار مهم و ارزش مندى وجود دارد كه مى توان از آنها براى انتخاب روش هاى صحيح امر به معروف و نهى از منكر مدد گرفت. در اين قسمت به برخى از اين نكات اشاره مى كنيم.

1 ـ توجه به ظرفيت ها

يكى از شيعيان مى گويد: در حضور امام صادق (ع) در باره عده اى سخن به ميان آمد. من به امام عرض كردم: ما از آنان بيزاريم, زيرا آنان به آنچه ما قائليم, قائل نيستند. امام فرمود: با اين كه آنان دوستدار ما هستند اما به آنچه شما قائل هستيد, قائل نيستند, شما از آنان بيزاريد؟! گفتم: آرى. امام فرمود: اگر چنين است ما نيز از مزايايى برخورداريم كه شما از آنها بى بهره ايد, در اين صورت آيا ما هم بايد از شما بيزارى بجوييم!؟ با آنها دوستى كنيد و از آنها بيزارى مجوييد, زيرا بعضى از مسلمانان از اسلام يك سهم و بعضى دو سهم… و بعضى هفت سهم دارند… سزاوار نيست بر دوش آن كه از اسلام يك سهم دارد به اندازه آن كه دو سهم دارد, بار بگذاريم… . 23

از اين داستان, دو نكته مهم به دست مى آيد:

1 ـ ما نمى توانيم فردى را به دليل پايين بودن درجه ايمانش در انزوا قرار دهيم و با او معاشرت نكنيم.

2 ـ از هر كسى بايد متناسب با درجه ايمانش انتظار داشته باشيم و بيشتر از آن بر او تحميل نكنيم.

علاوه بر ايمان, توجه به روحيات, قدرت تحمل و ميزان شوق و ذوق و حوصله افراد, در دعوت به خوبى ها و يا دور كردن از زشتى ها مهم است. ممكن است افراد سالخورده قدرت تحمل يك يا دو ساعت سخنرانى يا پند و اندرز را داشته باشند, اما نوجوانان چنين تحملى را ندارند. در روايتى آمده است: مردى به پيامبر اكرم(ص) عرض كرد: اى رسول خدا! امام جماعت ما آن قدر نماز را طول مى دهد كه به سختى مى توانم نماز را بخوانم. پيامبر(ص) آن روز با حالتى عصبانى در موعظه اى فرمود: اى مردم! شما, ديگر مردمان را فرارى مى دهيد. هر كس با مردم نماز مى خواند بايد نماز را مختصر برگزار كند كه در ميان آنان مريض و ناتوان و كسى هست كه به دنبال كارى است. 24

2 ـ بهره گيرى از روش هاى غير مستقيم

بعضى افراد تحمل شنيدن اندرزها و يا انتقادهاى مستقيم را ندارند, از اين رو بايد براى اصلاح رفتار آنان از روش غير مستقيم استفاده كرد.

استاد شهيد مرتضى مطهرى(ره) در اين باره مى فرمايد: (براى روش غير مستقيم, حديث معروفى را براى شما ذكر مى كنم, ببينيد اين روش چقدر مؤثر است. امام حسن و امام حسين^ در حالى كه هر دو طفل بودند, به پير مردى كه در حال وضو گرفتن بود, برخورد مى كنند, متوجه مى شوند كه وضوى او باطل است. اين دو آقازاده كه به رسم اسلام و رسوم روان شناسى آگاه بودند, فوراً متوجه شدند كه از يك طرف بايد پيرمرد را آگاه كنند كه وضويش باطل است و از طرف ديگر اگر مستقيماً به او بگويند آقا وضوى تو باطل است, شخصيتش جريحه دار مى شود, ناراحت مى شود, اولين عكس العملى كه نشان مى دهد اين است كه مى گويد: نخير, همين طور درست است, هر چه بگويى گوش نمى كند, بنابر اين جلو رفتند و گفتند: ما هر دو مى خواهيم در حضور شما وضو بگيريم, ببينيد كدام يك از ما بهتر وضو مى گيريم… .

امام حسن(ع) يك وضوى كامل در حضور او گرفت, بعد هم امام حسين(ع). تازه پير مرد متوجه شد كه وضوى خودش نادرست بوده. بعد گفت: وضوى هر دوى شما درست است, وضوى من خراب بود. اين طور از طرف اعتراف مى گيرند. حالا اگر در اين جا فوراً [ و به طور مستقيم ] مى گفتند: پيرمرد! خجالت نمى كشى با اين ريش سفيدت هنوز وضو گرفتن را بلد نيستى؟! مرده شور تركيبت را ببرد, او از نماز خواندن هم بيزار مى شد. )25

ايشان در چگونگى بهره گيرى از اين روش مى فرمايد: (اگر مى خواهيد به شكل غير مستقيم امر به معروف بكنيد, يكى از راه هاى آن اين است كه خودتان صالح و با تقوا باشيد, خودتان اهل عمل و تقوا باشيد. )26

(اين يك غفلت عظيم و اشتباه بزرگى است امروز در اجتماع ما كه براى گفتن و نوشتن و خطابه و مقاله و خلاصه براى زبان و مظاهر زبان, بيش از اندازه انتظار داريم… و مى خواهيم تنها با زبان و گوش همه كارها را انجام دهيم و انجام نمى شود, ناراحت مى شويم و ناله و فغان مى كنيم و مى گوييم:

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من

آنچه البته به جايى نرسد فرياد است;

اين شعر براى ما در همه زمان ها صادق بوده و هست. فكر نمى كنيم كه ما اشتباه مى كنيم, ما بيش از اندازه از اين گوش و زبان بيچاره انتظار داريم… ما با دست خود و عمل خود خوب رفتار كنيم تا آنها با چشم خودشان ببينند, يك مقدارى هم به اين گوش و زبان بيچاره استراحت بدهيم. )27 سعدى مى گويد:

تـرك دنيـا به مردم آمـوزنـد

خويشتن سيم و غله اندوزند

\* \* \*

عالم آن كس بود كـه بد نكند

نه بگويد به خلق و خود نكند

البته بهره گيرى از روش غير مستقيم شكل ديگرى نيز دارد و آن اين كه با بهره گيرى از امكانات و ابزار فرهنگى جديد, از جمله نرم افزارهاى آموزشى براى همه گروه هاى سنى, به فرهنگ سازى بپردازيم و جامعه را به سوى افكار و اخلاق پسنديده سوق دهيم كه بايد در جاى خود از آن بحث كرد.

3 ـ ريشه يابى و درمان

هر خطا و اشتباهى كه از ديگران سر مى زند, ريشه و عاملى دارد; به عنوان مثال گاهى عامل گناه, ريشه روانى دارد; مانند كمبود محبت, و گاهى عامل گناه, به مسائل اجتماعى برمى گردد; مانند: بيكارى. در اين صورت, مبارزه اساسى با انحرافات ناشى از اين گونه عوامل, در گرو مبارزه با ريشه هاست; يعنى تأمين محبت و نياز عاطفى براى عامل روانى, يا ايجاد اشتغال براى عامل اجتماعى.

يكى از اصحاب پيامبر(ص) مى گويد: (ما و پيامبر اكرم (ص) در مسجد بوديم كه يك اعرابى (فرد ناآشنا به دستورات دين) داخل مسجد شد و مشغول ادرار گرديد. اصحاب پيامبر(ص) بر آشفتند و او را از اين كار منع كردند. پيامبر(ص) فرمود: با او كارى نداشته باشيد. آنان او را رها كردند. آن گاه پيامبر(ص) او را نزد خود خواند و فرمود: مساجد نه محل ادرار است و نه محل كثافات ديگر; بلكه جايگاه ذكر خداوند بزرگ و نماز و قرائت قرآن است. )28

استاد شهيد مرتضى مطهرى(ره) به نقل از روزنامه اى مى نويسد:

(در چندين سال پيش, در يكى از شهرهاى كوچك, واقع در ايالت فيلادلفى( آمريكا) زن ها مبتلا به قمار بازى شده بودند. ابتدا كشيش ها و روزنامه نويس ها و خطبا و فصحا تا مى توانستند راجع به بدى قمار خصوصاً براى زن ها گفتند و نوشتند, ولى مثل همين حرف هاى خودمانى مانند گردو روى گنبد, سُر خورد و پايين افتاد و به جايى نرسيد. تا آن كه شهردار محل به فكر افتاد يكى دو تا باشگاه و نمايشگاه هنرى زنانه داير كند و سرگرمى هاى مناسب در آن جا فراهم نمايد; از قبيل نمايش بچه هاى چاق و تندرست و جايزه دادن به مادران كاردان و از قبيل كارهاى دستى و غيره كه هر كدام برنامه و ترتيب خاصى داشت و مردم را سر ذوق مى آورد, دو سه سالى از اين جريان گذشت كه زن هاى آن شهر به كلى قمار را فراموش كردند. )29

4 ـ بهره گيرى از فرصت

ممكن است برخى افراد به راحتى زير بار حرف حق نروند و به اصلاح رفتار خود نپردازند. برخورد مناسب با چنين افرادى, بهره گيرى از فرصت هاى طلايى است.

قرآن مجيد داستان باغ پر ميوه و زيبايى را نقل مى كند كه در اختيار پيرمرد مؤمنى بود. او به قدر نياز از آن برمى گرفت و بقيه را به نيازمندان مى داد. هنگامى كه چشم از دنيا پوشيد, فرزندانش گفتند: ما خود به محصول اين باغ سزاوارتريم و مستمندان را محروم ساختند. در بين آنها برادر مؤمنى بود كه برادران ديگر را از بخل ورزيدن و چنين كار زشتى باز مى داشت, اما كسى به حرفش گوش نمى داد.

پس از اين تصميم, شب هنگام كه همه آنها در خواب بودند, بلايى فراگير از ناحيه پروردگار بر باغ فرود آمد و آتش سوزان, آن باغ خرم و سرسبز را به مشتى خاكستر تبديل كرد. صبحگاهان به يكديگر گفتند: اگر مى خواهيد ميوه بچينيد, به سوى باغ حركت كنيد, مبادا كسى سخنشان را بشنود و از تصميمشان با خبر شود.

هنگامى كه به باغ رسيدند, چنان وضعى بود كه گفتند: اين باغ ما نيست, ما راه را گم كرده ايم. در اين ميان آن برادر مؤمن با قدى سرفراز و زبانى گشوده و منطقى قوى, آنان را زير رگبار ملامت قرار داده و گفت: آيا به شما نگفتم خدا را به عظمت ياد كنيد و از مخالفت او بپرهيزيد, شكر نعمت او را به جا آوريد و نيازمندان را از اموال خود بهره مند سازيد.30

5 ـ اقدام همگانى

كار فردى در امر به معروف و نهى از منكر, چندان مفيد نيست. همان طور كه اگر آب تصفيه شده و پاك را بار ديگر در جويباران رها كنيم, آلوده مى شود, محيط اجتماع نيز اگر نورانى نباشد و در برابر آلودگى ها عكس العمل نشان ندهد و يا افراد آلوده و فاسد مورد تشويق قرار گيرند, مبارزه با بى بند و بارى ها بسيار مشكل خواهد بود.

استاد شهيد مرتضى مطهرى(ره) مى فرمايد:

بايد به اين نكته توجه كنيم كه عمل فردى, چندان مفيد نيست, آن هم در دنياى فعلى. مشكلى كه امروزه در زندگى اجتماعى ما هست اين است كه افراد اهل عمل توجهى به عمل اجتماعى ندارند و به اصطلاح, (تك رو) هستند; در حالى كه از عمل فردى كارى ساخته نيست, از فكر فردى كارى ساخته نيست, از تصميم فردى كارى ساخته نيست, همكارى و همفكرى و مشاركت لازم است. 31

6 ـ برخورد دور از تبعيض

نكته مهمى كه بايد در اجراى امر به معروف و نهى از منكر مورد توجه قرار گيرد, برخورد عادلانه و به دور از تبعيض, با فسادها و خلاف كارى هاست. در عرصه مبارزه با متخلّف, زد و بندها, ملاحظات سياسى, قومى و منطقه اى, اين كه فلانى دوست من است يا فلانى وابسته به فلان شخصيت است و نبايد با او برخورد كرد و نظاير آن, عامل بى اعتمادى, جرى شدن خلاف كاران و در نتيجه دور شدن از هدف هاى عالى امر به معروف و نهى از منكر است.

7 ـ نرم خويى و مهرورزى

امر به معروف و نهى از منكر, موضوعى بسيار حساس است و بايد با مهر و عطوفت و انتخاب بهترين روش هاى اخلاقى همراه گردد. خداى بزرگ به حضرت موسى(ع) و هارون مى گويد: (نزد فرعون [كه ادعاى خدايى كرده است ] برويد و با او به نرمى سخن گوييد, شايد پند گيرد يا بترسد. )32

همچنين خطاب به پيامبر اكرم(ص) مى فرمايد: (اى پيامبر به خاطر برخوردارى از رحمت خداوند, در برابر آنان نرم شدى و اگر خشن و سنگ دل بودى, از اطراف تو پراكنده مى شدند. )33

داد و فرياد راه انداختن, بد زبانى كردن, كتك زدن و تند خويى نمودن در برابر گناه كار با چنين وظيفه اى كه از روى عشق به انسانيت و زندگى انجام مى گيرد, سازگار نيست و جز نفرت و عكس العمل شديد طرف مقابل نتيجه اى نخواهد داشت.

8 ـ امر به معروف و نهى از منكر با رعايت حقوق

هر چند امر به معروف و نهى از منكر بسيار مهم است, اما نبايد در مراحل مختلف آن, حقوق مسلمانان را ناديده گرفت و شخصيت و آبرويشان را مخدوش ساخت و لذا اجازه تجسّس و پرده درى و پى جويى گناهان پنهان كه در خلوت انجام مى شود, به بهانه امر به معروف و نهى از منكر به كسى داده نشده است.

در تاريخ آورده اند: شبى از شب ها خليفه دوم مشغول گشت زنى در كوچه ها و گذرها بود, به خانه اى رسيد كه صداى آواز از آن شنيده مى شد. چون در بسته بود, خود را از ديوار بالا كشيد و وارد خانه شد. گفت: اى دشمن خدا! پنداشتى خداوند چنين گناهى را بر تو مى پوشاند؟ آن مرد گفت: تند مرو, اگر من گناهى كرده ام, تو مرتكب سه گناه شده اى! پرسيد: كدام گناه؟

گفت: اول آن كه, خداوند متعال مى فرمايد: (تجسس نكنيد)34 و تو كرده اى; دوم آن كه, خداوند مى فرمايد: (از درها وارد خانه ها شويد)35 و تو از پشت بام وارد شده اى ; سوم آن كه, مى فرمايد: (اى كسانى كه ايمان آورده ايد, به خانه هايى جز خانه خود وارد نشويد, مگر اين كه آشنايى دهيد و اجازه بگيريد و بر اهل آن سلام كنيد)36 و تو بى اجازه و بى سلام وارد خانه ديگران شده اى. 37

خليفه گفت: اگر از تو بگذرم, راه خيرى هست؟ گفت: آرى. سپس خليفه او را بخشيد و از خانه خارج شد و او را به حال خود رها كرد.

البته در اين جا بايد ياد آور شويم كارهاى خلافى كه باندهاى خلاف كار در مخفى گاه ها و لانه هاى فساد براى انحراف جوانان و به دام انداختن افراد ساده و ضعيف و مبارزه با حكومت حق انجام مى دهند, جرمى است اجتماعى و نه شخصى; از اين رو حق برخورد قانونى با رعايت مقررات براى دستگاه هاى قضايى محفوظ است.

در اجراى هر چه بهتر امر به معروف و نهى از منكر, نكات مهم ديگرى وجود دارد; مانند:

بازگو كردن خوبى هاى افراد در هنگام نهى از منكر يا تشويق عاملان به معروف, مخفيانه بودن امر و نهى, بهره گيرى از روش سكوت و ناديده گرفتن لغزش ها در بعضى اوقات, خوددارى از نهى از منكر به هنگام خشم و … كه براى پرهيز از طولانى شدن بحث, به همين مقدار بسنده مى كنيم.

آثار امر به معروف و نهى از منكر

1 ـ عزّت و سربلندى

جامعه اى كه خود را نسبت به تغيير و تحولات درونى مسئول دانسته و در مقابل ضعف ها و كاستى ها از خود عكس العمل نشان مى دهد و براى آن چاره جويى مى كند, جامعه اى زنده و پر تحرك خواهد بود. چنين جامعه اى براى انجام كارهاى فرهنگى و از بين بردن جهل و نادانى و يا آفت زدايى و خشكاندن گنداب هاى فساد, مردانه به ميدان مى آيد و از دل و جان از ارزش هاى خود پاسدارى مى كند و بدين وسيله, خود را عزيز و سربلند نگاه مى دارد. اجراى امر به معروف و نهى از منكر نيز در همين راستا بررسى مى شود; به عبارت ديگر در جامعه اى كه اين فريضه الهى اجرا مى شود, ضمن تقويت و نفوذناپذير كردن بنيه دفاعى جامعه, افراد آن را نيز از گزند دشمن محفوظ و همواره عزيز و سربلند مى دارد.

قرآن كريم مى فرمايد: (شما به اين دليل با ارزش ترين امت ها هستيد كه امر به معروف و نهى از منكر مى كنيد. )38

پيامبر گرامى اسلام (ص) مى فرمايد: (بايد امر به معروف و نهى از منكر كنيد, در غير اين صورت بَدان بر شما مسلط مى شوند و آن گاه خوبانتان دعا مى كنند (و خواسته هاى خود را مطرح مى كنند), اما جوابى داده نمى شود. )39

استاد شهيد مرتضى مطهرى(ره) در توضيح معناى سخن پيامبر(ص) مى فرمايد: معناى حديث (اين نيست كه خدا را مى خوانند و خدا دعاى آنها را مستجاب نمى كند, معنايش اين است: وقتى كه امر به معروف و نهى از منكر را ترك كنند, آن قدر پست مى شوند, آن قدر رعبشان, مهابتشان (شوكت و عظمتشان), عزتشان و كرامتشان از بين مى رود كه وقتى به درگاه همان ظلمه [ستم كاران ] مى روند, هر چه ندا مى كنند, به آنها اعتنا نمى شود [ يعنى حضرت مى فرمايد] اگر مى خواهيد عزت داشته باشيد و ديگران روى شما حساب كنند, امر به معروف و نهى از منكر را ترك نكنيد. اگر امر به معروف و نهى از منكر نداشته باشيد, اولين خاصيّت آن ضعف شماست, پستى و ذلت شماست, دشمن هم روى شما حساب نمى كند.)40

2 ـ استوارى پايه هاى دين

امام باقر(ع) در حديثى به مهم ترين آثار امر به معروف و نهى از منكر اشاره كرده و مى فرمايند: (امر به معروف و نهى از منكر, راه پيامبران و شيوه صالحان است. واجب بزرگى است كه با آن, فريضه هاى ديگر برپا مى شود و راه ها امن و كسب و كارها حلال مى گردد. آنچه به ستم ستانده شده, به صاحبان آن بازگردانده مى شود. زمين ها آباد, از دشمنان انتقام گرفته و امور پا بر جا مى شود). 41 به فرموده آن حضرت, پايه و استوانه نماز, روزه, حج, جهاد, خمس, زكات و ساير دستورات دين, امر به معروف و نهى از منكر است.

استاد شهيد مرتضى مطهرى(ره) در اين باره مى فرمايد: (امر به معروف و نهى از منكر, يگانه اصلى است كه ضامن بقاى اسلام است… اصلاً اگر اين اصل نباشد, اسلامى نيست… آيا يك كارخانه بدون بازرسى و رسيدگى دائمى مهندسين متخصص كه ببينند چه وضعى دارد, قابل بقاست؟ اصلاً آيا ممكن است يك سازمان همين طور به حال خود باشد, هيچ در باره اش فكر نكنيم و در عين حال به كار خود ادامه دهد؟ ابداً. جامعه هم, چنين است. )42

امام حسين(ع) نيز در كلامى زيبا به همين نكته اشاره مى كند و مى فرمايد: (اگر امر به معروف و نهى از منكر اجرا گردد, همه واجبات, چه آسان و چه سخت, پا بر جا خواهد بود. )43

بى توجهى به اين مسئوليت اجتماعى, باعث رنگ باختن معنويات و چيرگى هواهاى نفسانى در فرد و جامعه مى شود و در نتيجه, زمينه براى حاكميت هواپرستان و ستمگران فراهم خواهد شد. در اين هنگام است كه به فرموده امام حسين (ع) بايد فاتحه اسلام را خواند: (فعلى الاسلام السلام اذ قد بليت الامة براع مثل يزيد; با اسلام بايد خداحافظى كرد هنگامى كه كسى مثل يزيد, زمامدار مردم گردد. )44

3 ـ امنيت

امنيت, يكى از نيازهاى اساسى افراد و اجتماعات است كه از راه امر به معروف و نهى از منكر تأمين مى شود.

رونق كسب و كار و تجارت و سامان يابى امور مختلفِ فرهنگى, اقتصادى و سياسى در هر جامعه اى, به امنيت ارتباط دارد. اگر محيط خانه, مدرسه, دانشگاه, كارخانه, بازار, شهر و جاده ايمن نباشد و اموال و نواميس مردم هر لحظه از سوى دزدان, زياده خواهان و اراذل و اوباش تهديد شود, ترس و اضطراب و آشفتگى بر همگان سايه خواهد انداخت و آرامش و آسايش عمومى از بين خواهد رفت و جرأت هر كارى از مردم گرفته خواهد شد.

اجراى مقررات دينى و قوانين اجتماعى و نظارت دائمى دستگاههاى مربوط; مانند نيروهاى انتظامى و نيز مراقبت هاى عمومى صالحان و نيكان, از زياده خواهى ها و تجاوز فرصت طلبان و سوء استفاده كنندگان جلوگيرى خواهد كرد و امنيت و آرامش عمومى را به ارمغان خواهد آورد. امام باقر(ع) مى فرمايد (…و تأمن السبل;45 اجراى امر به معروف و نهى از منكر, راه ها را امن خواهد كرد. )

4 ـ كسب حلال

بعضى افراد براى پيدا كردن پول به هر كارى متوسل مى شوند. اينان به علت ناآگاهى و يا تربيت نادرست, به دنبال كسب حلال نيستند و تنها در اين فكرند از راه هايى مانند تقلّب, رشوه, احتكار, قاچاق, گران فروشى يا كم فروشى و غير آن, بر درآمدهاى خود بيفزايند. بى توجهى به اين دست از خلاف كارى ها, سبب رواج درآمدهاى نامشروع در بين مردم و رخنه لقمه هاى حرام در زندگى افراد مى شود كه زيان ها و آسيب هاى جبران ناپذيرى را به دنبال خواهد داشت. بنابر اين بايد از راه امر به معروف و نهى از منكر, ناآگاهان را به شغل هاى حلال و درآمدهاى مشروع آگاه ساخت و آنان را از كارهاى خلاف باز داشت.

اجراى اين وظيفه الهى به حدى ثمربخش است كه گاهى چنين افرادى وقتى مى بينند جامعه به عنوان يك منكر به شغل آنان نگاه مى كند, خود به خود به دنبال كسب و كارهاى حلال و درآمدهاى مشروع خواهند رفت. از اين رو امام باقر(ع) مى فرمايد: (…و تحل ّ المكاسب;46 يكى ديگر از فوايد امر به معروف و نهى از منكر اين است كه كسب و كارها حلال مى شود. )

آبادانى كشور, باز پس گرفتن حقوق پايمال شده افراد, مبارزه با تبغيض ها و بسيارى از اصلاحات اقتصادى, اجتماعى, سياسى و فرهنگى, از پيامدهاى مهم اجراى امر به معروف و نهى از منكر به شمار مى رود كه به علت محدوديت صفحات, از شرح آن خوددارى مى كنيم.

موانع امر به معروف و نهى از منكر

متأسفانه با وجود اهميت و آثار و بركاتى كه امر به معروف و نهى از منكر دارد, حتى در اين زمان كه به بركت جمهورى اسلامى اين همه امكانات فرهنگى ـ تبليغى در دسترس است, باز آن گونه كه بايد به اين واجب الهى توجه نمى شود. در بررسى علل اين بى مهرى, به سه عامل اساسى برمى خوريم كه به طور فشرده يادآور مى شويم:

1 ـ ترس

عده زيادى به دليل ترس از به خطر افتادن جان و مال و پست و مقام خود, شانه از زير بار اين مسؤليت خالى مى كنند و از ترس اين كه مبادا حقوق و مزايا و ميز رياست را از دست بدهند, در برابر بى عدالتى ها, هرزگى ها, و فسادهايى كه در اجتماع و يا در ادارات و مؤسسات ديده مى شود, اعتراضى نمى كنند و از امر به معروف و نهى از منكر دورى مى نمايند. امام حسين(ع) در تفسير آيه 81 از سوره مائده, در باره گروهى از بنى اسرائيل كه گرفتار عذاب شدند, مى فرمايد: (آنان با اين كه فساد و زشتى هاى ستمگران را مى ديدند, اما به دليل [ ترس از پست و مقام و ثروت ] و آنچه برخوردار مى شدند, آنان را نهى نمى كردند. )47

اين قبيل خصلت هاى ناپسند, ناشى از ضعف ايمان به خداست, چرا كه انسان هاى مؤمن به جز خدا, از كسى نمى ترسند و اندوهگين نمى شوند. آنان بر اساس پيام هاى خداوند كه فرمود: (به هر كس هر آنچه را بخواهد مى بخشد)48 و (به هر كس بخواهد سودى رساند, كسى را ياراى باز داشتن آن نيست), 49 همه چيز را به دست خدا مى دانند و معتقدند همان طور كه امام على(ع) فرمود: (امر به معروف و نهى از منكر, نه مرگى را نزديك مى كند و نه رزق و روزى انسانى را كاهش مى دهد. )50

اگر تيغ عالم بجنبد ز جاى

نبرد رگى تا نخواهد خداى

2 ـ طمع

عده اى به دليل طمع و زياده خواهى, امر به معروف و نهى از منكر نمى كنند. با اين كه حق و حقيقت و حق گو و حق جو را مى شناسند, در عين حال در مقابل آن جبهه گيرى مى كنند و با باطل و ستم كار براى رسيدن به ثروتى بيشتر يا مقامى بالاتر, همراه مى شوند.

دين دارى با طمع ورزى, سازش ندارد. امام حسين(ع) در وصيت خود چنين نوشت: (انگيزه قيام من, هوا و هوس و زياده خواهى و تمايلات بشرى نيست, من نمى خواهم فساد به پا كنم و يا ستمگر باشم; بلكه هدف من, اصلاح امت جدم است و مى خواهم امر به معروف و نهى از منكر كنم. )51

موحّد چه در پاى ريزى زرش

چه شمشير هندى نهى بر سرش

اميد و هراسش نباشد زكس

بر اين است بنياد توحيد و بس52

3 ـ بهانه جويى و عذر آوردن

گاهى افراد براى شانه خالى كردن از زير بار مسئوليت هاى اجتماعى, به توجيه گناه يا حق به جانب نشان دادن گناه كار مى پردازند. قرآن كريم در باره عده اى كه از شركت در جنگ احزاب خوددارى كردند و بهانه آوردند كه خانه هاى ما حفاظ ندارد و ما از ناموسمان در امان نيستيم, مى فرمايد: (و گروهى از آنها از پيامبر رخصت طلبيدند, گفتند: خانه هاى ما را حفاظى نيست, خانه هايشان بى حفاظ نبود, مى خواستند بگريزند. )53

متأسفانه بهانه جويى و عذر تراشى به شكل هاى گوناگون در همه اجتماعات بوده و هست. امروزه افراد زيادى را مى بينيم كه با روش هاى نامربوط سعى دارند سكوت خود را در برابر منكرات توجيه كنند; مانند اين كه مى گويند: (هر كس را در گورى مى گذارند, جوان است بگذار خوش باشد, صلاح مملكت خويش خسروان دانند, خواهى نشوى رسوا همرنگ جماعت شو, سرى كه درد نمى كند دستمال نمى بندند, دلا خو كن به تنهايى كه از تنها بلا خيزد / سعادت آن كسى دارد كه از تنها بپرهيزد, و نظاير آن.

بايد توجه داشت كه سر باز زدن از اين واجب الهى, جنگ با خداست. امام صادق(ع) مى فرمايد: (كسى كه منكرى را ببيند و با آن مبارزه نكند, در حالى كه قدرت دارد, او دوست مى دارد كه خدا نافرمانى شود و كسى كه نافرمانى خدا را دوست داشته باشد, در مقابل خدا به دشمنى و ستيز برخاسته است. 54

پى نوشت ها:

1 ـ وسائل الشيعه, ج 11, ص 395, ح 6.

2 ـ مجمع البحرين, واژه معروف و منكر.

3 ـ المفردات فى الفاظ القرآن, واژه معروف و منكر.

4 ـ توبه(9) آيه 71.

5 ـ نهج البلاغه, ترجمه جعفر شهيدى, ص 429, قصار 374.

6 ـ صحيح بخارى, ج 2, ص 882.

7 ـ بحار الانوار, ج 97, ص 88.

8 ـ همان, ج 97, ص 81.

9 ـ در تحرير الوسيله امام(ره), ج 1, ص 475 ـ 476, همه شرايط آورده شده است.

10 ـ حماسه حسينى, ج 2, ص 82 ـ 83.

11 ـ تحرير الوسيله, ج 1, ص 467, مسئله 1.

12ـ آية الله حسين نورى همدانى, امر به معروف و نهى از منكر, ص 153ـ155.

13 ـ حماسه حسينى, همان, ص 131ـ132.

14 ـ تحرير الوسيله, همان, ص 472ـ473.

15 ـ همان.

16 ـ حماسه حسينى, همان, ص 129ـ 130, با اندكى تغيير.

17 ـ همان, ص 94ـ 95, با اندكى تغيير.

18 ـ وسائل الشيعه, ج 11, ص 413.

19 ـ حماسه حسينى, همان, ص 99, با اندكى تغيير.

20 ـ همان.

21 ـ نهج البلاغه, ترجمه جعفر شهيدى, خطبه 168.

22 ـ همان, ص 481.

23 ـ وسائل الشيعه, ج 11, ص 427.

24 ـ صحيح بخارى, ج 1, ص 31.

25 ـ حماسه حسينى, همان, ص 99 ـ100.

26 ـ همان, ص 106.

27 ـ مرتضى مطهرى, ده گفتار, ص 67ـ68.

28 ـ صحيح مسلم, ج 1, ص 163.

29 ـ ده گفتار, ص 69.

30 ـ داستان اين واقعه در آيات 17 تا 33 سوره (قلم) و تفسير نمونه, ج 24 آورده شده است.

31 ـ برگرفته از: ده گفتار, ص 68.

32 ـ طه(20) آيه 44.

33 ـ آل عمران(3) آيه 159.

34 ـ حجرات (49) آيه 12.

35 ـ بقره (2) آيه 159.

36 ـ نور(24) آيه 27.

37 ـ كنزل العمال, ج 3, ص 808, حديث 8827.

38 ـ آل عمران(3) آيه 110.

39 ـ فروع كافى, ج 4, ص 56.

40 ـ حماسه حسينى, همان, ص 45.

41 ـ وسائل الشيعه, ج 11, ص 395, ح 6.

42 ـ جامعه و تاريخ, ص 236.

43 ـ تحف العقول, ص 237.

44 ـ بحا رالانوار, ج 44, ص 326.

45 ـ وسائل الشيعه, ج 11, ص 395.

46 ـ همان.

47 ـ تحف العقول, ص 237.

48 ـ ذاريات (51) آيه 22.

49 ـ يونس (10) آيه 107.

50 ـ نهج البلاغه, ترجمه جعفر شهيدى, خطبه 156.

51 ـ تاريخ طبرى, ج 6, ص 197.

52 ـ گلستان سعدى, باب هشتم.

53 ـ احزاب(33) آيه 13.

54 ـ مستدرك الوسائل, ج 12, ص 177.